

شبیه زندگی

کله پاچه؛ راهی به سوی مدرنیسم

Sam.farzaneh@gmail.com

سام فرزانه

مردان از خوردن پاچه و بنا سوگند لذت می برند. اگر لثان خواست برای اینکه به نتایج جالبی برسید به پاراگراف بالا سری بزنید و با این دو گزاره جدید آن را بخوانید. تغییرات شیشه‌های خوردن کله پاچه یکی به این است: «قبلاً خانم‌ها کمتر به کله پاچه فروشی می آمدند، اما حالا این اتفاق بیشتر شده و گاهی بیشتر از آقایان به خوردن کله پاچه علاقه دارند.» البته برخی از خانم‌ها هم که به مغازه می آیند حالشان از بوید می شود، اما بعد از مدتی به سوغات می کنند.

«من ترا هم می آیند، بعضی‌ها را می بینم که چربی خون دارند و دکتر هم برایشان ممنوع کرده اما می آیند و کله پاچه می خوردند. آلبیمو هم می خوردند چون عقیده دارند که چربی را می سوزاند.»

بعضی‌ها هم که از ایران رفته اند هنوز نمی توانند از یاد و خاطره کله پاچه بگذرند؛ «در مغازه قبلی که بودیم، یک نفر بود می آمد برای دوستی که در خارج بود سفارش می داد. ما هم برایش در فریزرهای صنعتی کله پاچه و نان سنگک را فریز می کردیم و می دادیم مسافر برایش می برد.»

حتماً آب غذا در چمدان مسافر اولی راه رفته است که مسافرهای بعدی هم بار کله پاچه داده اند.

مشتی هر روزه هم دارند. خودشان هفته‌ای یکی دویز کله پاچه می خوردند اما کسانی هستند که به مغازه آنها می آیند؛ یکی هست که خیلی لاغر است. آن یکی هم کمی چاق است. یک روز بازار کار می کند و آن یکی هم فکر کنم که بوتیک دارد.»

خودش هم نوع غذا را دوست دارد و هیچ غذای را به غذای دیگر ترجیح نمی دهد.

مهمش کار با تهری ساعت ۴:۲۰ تا ۵ صبح می آمد. تا ظهر هشتم بعد تعطیل می کنیم و تا بعد ساعت ۵ بعد از ظهر دوباره کار را شروع می کنیم تا دوازده شب. چند ساعت پیش می خوابم و چند ساعتی می شب. دیلمه است. مغازه به فرد دیگری تعلق دارد. او مدیریت آنجا را به عهده دارد. اما می گوید که درآمدش چندان نیست که بتواند حتی مونسبیکش را عوض کند.

راستی می دانید که در آن صحنه مشهور از نمایشنامه هملت، چرا این سازه‌ها دنامارکی اسکلت چمچمه گوسفند را به جای چمچمه انسان به دست نگرفت و از بودن یا نبودن حرف نزد؟

بوی غذا از بدنشان برود از آن استفاده می کنند و در هنگام پخت و سرغذا از رویش استفاده می کنند. در فیلم به شخصیت طباح‌ها توجه شده که اگر کسی بخواهد از این شکل فیلمی بسازد، احمد احمدی برایش یک ماسک نکرده، «فکر کنم آن صحنه‌هایی که ما داریم کله پاچه را سرو می کنیم و مشتری منتظر نشسته است، خیلی برای فیلم جالب باشد. مخصوصاً راه ماه رمضان که مردم کله پاچه صف می کشند.»

ابوعلی سینا درباره کله پاچه می فرماید: «ما که خودمان به چشم خودمان کتاب قانون را ابوعلی سینا را بخواند، ایم اما احمد احمدی نقل می کند: «ابوعلی سینا نوشته که در عضو آب این حیوان (گوسفند) برای هر عضو از انسان خوب است.»

باز هم به سراغ علم منطقی می رویم، به این ترتیب زبان گوسفند، به زبان انسان کمک می کند و منم و منم. البته احمد احمدی قبول ندارد که با خوردن منم گوسفند، منم انسان گوسفندی می شود؛ نه گوسفندی اما برای هوش آدم خوب است.» مثال دیگری می زند: «مثلاً به کسی که پایش شکسته پاچه می دهند بخورد و نه از منم منم شیرین می دهند. ببینید چقدر منم منم کله پاچه دروشی هوشی دارد!»

زنان و زنان مردان و پاچه احمدی زان بیشتر زبان دوست دارند و احمدی زان بیشتر زبان دوست دارند و



از دور که گوسفند را ببیند متوجه می شود این گوسفند کله پاچه خوشه‌ای دارد یا نه.

جمجمه انسان به دست گرفت و از بون یا نیون حرف نزد؟ خیلی ساده است. برای اینکه جمجمه گوسفند را خرد می کنند، پودر می کنند و برای مرغ و خروس‌ها غذا درست می کنند. کله پاچه‌ای که یک پیتزا فروش فکر می کند، کادامک بیشتر از طرف مردم مورد تشویق قرار بگیرند؟ «هستیگ دارد: مردم کله پاچه فروشی را دوست دارند.»

حیف که احمد احمدی در سن ۲۸ سالگی نتوانست خاستگاری نرفته، اگر گرفته بود حتماً می توانست برای ما بگوید که نظر خانواده عروس درباره شغل او چیست. راستی این راه هم بگویم که در این مغازه یک دوش هم دارند که در پایان کار برای اینکه

الان در کشتارگاه تهران بخشی برای تمیز کردن کله دارند. کله پزهایی که برای خرید به آنجا می روند می توانند کله و پاچه‌هایی تمیز شده خریداری کنند. آنجا آماده می کنند و برای مشتریها می فرستند

کز داده شود. بعد هم آن را می شویم، کله پاچه فقط تهرود احمدی از سی این آقای احمدی کشتارگاه تهران تعریف می کند که شاید به نباشد استغناء برایش دود کنیم. می گوید که هیچ جای ایران چنین کشتارگاهی نیست و برای همین کله پاچه‌های تهران یک چیز دیگری است.

در اصفهان بار کله پاچه خوردن اما آن جور که باید و او نجیبده، البته پخت و پز البته منم را جدا می کنند و آن را برای اینکه رنگ خوبی هم بگیرد به آن زردپویه می زنند. دلیل اینکه منم را جدا می زنند این است که منم سریع پخته می شود و لازم نیست که همراه با بقیه اجزا چند ساعتی در دیگ بگذراند.

اما یک کزن کله پاچه در روزگار گذشته برای خوشداستانی داشته است. یک روز کامل این کار به طول می انجامیده است. احمد احمدی پیش از این چنین کاری را انجام داده است. اول باید آب را می گذاشت با گرم شود. اما در درجه‌ای که جوش نیاید. مثلاً ۷۰ درجه. تنظیم دما خیلی مشکل است. بعد کله پاچه را در آب می اندازیم. در آن مایک چاقو که یک کشت میوه‌ها از بین می رود. خیلی حالت جیبی است. بعد سفید و قشنگ می شود. بعد با ساطور کاسه منم را راستی می دانید که در آن صحنه مشهور از نمایشنامه هملت، چرا این شاهزاده دنامارکی اسکلت جمجمه گوسفند را به جای

پخت کله پاچه از پیچی او تا به حال تغییری نکرده است؛ «اصلاً به خاطر همین پخت سنتی است که مردم از آن استقبال کرده اند.»

کارشناس گوسفندشناسی از دور که گوسفند را ببیند متوجه می شود این گوسفند کله پاچه خوش مزه‌ای دارد یا نه. از رنگ مویش متوجه می شود. سفیدهای خوشمز تر هستند. جوان و پیر هم دارد. که جوان‌ترها خوشمز تر هستند. پیرها نیز هستند.

دوروز یک بار که به کشتارگاه می رود همه این چیزها توجه می کند که مخصوص کارش خوب باشد.

هر چه چاق تر باشد هم که بهتر است. گوشت و بنا گوش چاق‌ها بهتر است. فصل بهار هم که بره کشتان است خیلی خوشمز تر می شود. اما زمستان‌ها که فصل فروش کله پاچه است گاهی مجبور می شوند که بار پیر هم بیاورند.

پاک کردن کله الان در کشتارگاه تهران بخشی برای تمیز کردن کله دارند. کله پزهایی که برای خرید به آنجا می روند می توانند کله و پاچه‌هایی تمیز شده خریداری کنند. آنجا آماده می کنند و برای مشتریها می فرستند؛ «ما هم اینجا یک بار دیگر آنرا می شویم و می پزیم.»

البته منم را جدا می کنند و آن را برای اینکه رنگ خوبی هم بگیرد به آن زردپویه می زنند. دلیل اینکه منم را جدا می زنند این است که منم سریع پخته می شود و لازم نیست که همراه با بقیه اجزا چند ساعتی در دیگ بگذراند. اما یک کزن کله پاچه در روزگار گذشته برای خوشداستانی داشته است. یک روز کامل این کار به طول می انجامیده است. احمد احمدی پیش از این چنین کاری را انجام داده است. اول باید آب را می گذاشت با گرم شود. اما در درجه‌ای که جوش نیاید. مثلاً ۷۰ درجه. تنظیم دما خیلی مشکل است. بعد کله پاچه را در آب می اندازیم. در آن مایک چاقو که یک کشت میوه‌ها از بین می رود. خیلی حالت جیبی است. بعد سفید و قشنگ می شود. بعد با ساطور کاسه منم را راستی می دانید که در آن صحنه مشهور از نمایشنامه هملت، چرا این شاهزاده دنامارکی اسکلت جمجمه گوسفند را به جای

آنهاهی که منطبق خوانده اند حتماً می فهمند که چه می گویم، به این گزاره‌ها توجه کنید:

A: کله پاچه غذای سنتی ایران است. B: مردم در سال‌های اخیر بیشتر کله پاچه می خوردند. C: A و B نتیجه می گیریم: مردم ایران سنتی تر شده اند.

احمد احمدی، کله پاچه فروشی، تصدیق می کند که در سال‌های اخیر مردم بیشتر به سمت کله پاچه رو آورده اند. برای اینکه حالا در هر ساعت از روز می توان این غذا را پیدا کرد و خورد.

اما نتیجه این گزاره منطقی را قبول ندارم که مردم ایران سنتی تر شده‌اند. «مردم مدرن تر شده‌اند. برای اینکه این غذا لذیذ است، مردم به سمت آن رو آورده اند.»

قبلاً بعد از ظهرها کله پاچه‌ای در مغازه‌ها فروخته نمی شد، اگر چیزی بود سیراب و شیردان بود؛ اما الان بعضی از مغازه‌ها شبانه روزی شده و در همه ساعات روز کله پاچه است و از بعد از ظهر به بعد هم سیراب، فریزرهای کله پاچه در پارکینگ‌ها هست جا شبانه روزی هستند. اما آذاره آماکن و اتحادیه طباح‌های تهران مجوزهای لازم را در اختیار کرده‌اند.

مغزهای که احمد احمدی مدیریت آن را به عهده دارد، ظهرها تعطیل است. اما در بقیه ساعات روز باز است. طباح کله پاچه احمد احمدی هر دو روز یک بار می خرید کله پاچه به کشتارگاه تهران می رود. برای اینکه بار تازه بیاورد. بارها در بیخچال و فریزرهای کله پاچه در پارکینگ‌ها هست جا می دهند و شروع به پخت می کنند، آنها سه نفر هستند:

کله پاچه مثل بقیه غذاهای آب‌پز، به همراه آب و پیاز و نمک و فلفل و ادویه پخته می شود؛ «شاید شما هم فکر کنید که مزه کله پاچه با کله پاچه فرق نداشته باشد. اما دارد؛ در من متوجه می شوم کله پاچه خوب پخته شده یا نه. با اینکه ادویه جاش به اندازه است.»

شاگردی کرده و بیخشن را خوب بلد است. عمویش طباح‌ها در مغازه‌ها و کلاس‌ها مدرسه نداشته و درست عمو کار می کرده است. حالا خیلی محکم می تواند بگوید که

مشکل سوسمارها را فراموش کنید: فیل مشکل اصلی جامعه



شما اصلاً می دانید که چرا فیل‌ها سوار دوجرخه نمی شوند؟

آگهی مناقصه شماره (۲۱) - شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی در نظر دارد پروژه‌های زیر را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. ۱- اصلاح ورودی و خروجی مخزن ۵۰۰ مترمکعبی شهر اراک ۲- اصلاح خط خروجی مخزن شهر سنجان ۳- اصلاح شبکه توزیع آب شهر ساروه ۴- اصلاح شبکه توزیع آب شهر دلچیان ۵- اصلاح انشعابات آب شهر فرمین ۶- فنی تکمیل مخزن آب شهر شازند ۷- حفر یک حلقه چاه دستی در شهر نغرش برای دریافت آگاهی بیشتر به پانگه اینترنتی مناقصهها و مزایده های الکترونیکی استان مرکزی به نشانی: WWW.IRATIS.COM مراجعه نمایید.

- ۴- از روی ردیابی او روی قالب کوب.
۵- اگر به زیر تخت لگند بزنند، لافلاسه، دماغتان کوبیده می شود به سقف اتاق.
۶- قطعاتی که توسط اکثر فیلارمونیک، نواخته شده باشد.
۷- او را معرفی می کنند تا مجری برنامه‌های تلویزیون شود.
۸- خارطوم.
۹- چون براحتی می توانند درمزرعه توت فرنگی بنهان شوند.
۱۰- فیل‌ها با آنجا بنهان می شوند، وقتی بچه‌ای از آنجا عبور می کند بیرون می برند و او را می ترسانند.
۱۱- می گوید: میو
۱۲- هیچی، چون انگور نمی تواند صحبت کند.
۱۳- بیخچال فیور
۱۴- وقت خرید یک ماشین نو.
۱۵- روزنامه‌ها را می خوانند.
۱۶- فدراسیون کشتی (FILA)
۱۷- تنجیب می کند!
۱۸- هیچ کار، می گاریم تا حساسی برسد.
۱۹- نباید آتینج را دو صورتش را با سیلی سرخ کند.
۲۰- باید او را تاجیز کرد که شجاع باشد.
۲۱- باید-خارطومش را سفت جیبش تا رنگ بدنش کبود شود و بعد متعجب کنید!
۲۲- هوشنگ گلکتابی و مسعود مهرابی منتقدین محله فیلم!
۲۳- مشکل دریک نقطه از دنیا
۲۴- چون دندان هایشان به هم نمی رسد.
۲۵- چون فیل‌ها با انسان نمی توانند فحش رکیک به هم بدهند.

آگهی مزایده عمومی شماره ۱۵۳ - شرکت مهندسی خدمات ایران خودرو (سهامی خاص) به نمایندگی از شرکت ایران خودرو (سهامی عام) در نظر دارد تعدادی از خودروهای کارشناسی معیوب یا مستعمل خود را از طریق مزایده عمومی با لحاظ شرایط زیر و مندرجات اسناد مزایده به فروش برساند: ۱- کله خودروها فاقد گارانتی می باشند. ۲- متقاضیان نباید مشکل قانونی جهت صدور سند به نام خود داشته باشند. ۳- محدودیتی جهت خرید در نظر ندارد وجود ندارد. ۴- در صورتی که قیمت پیشنهادی متقاضیان جهت هر یک از خودروها کمتر از قیمت کارشناسی باشد به آن پیشنهاد ترتیب اثر داده نخواهد شد. ۵- تعیین شرکت در مزایده برای هر دستگاه خودرو مبلغ پنج میلیون ریال می باشد که متقاضی با بستن جهت کتبه خودروهای مورد درخواست صرفاً یک فقره چک بانکی در وجه شرکت مهندسی خدمات صنعتی ایران خودرو از یکی از شعب بانک ملی استان تهران اخذ و همراه با اسناد در مهلت مقرر تحویل نماید. ۶- پرداخت لمن خودروها نقدی بوده و قبل از صدور سند با بستن کل مبلغ مربوطه پرداخت گردد. ۷- در صورتی که مستعمل (کلاه‌دار) بودن تعدادی از خودروها، هزینه‌های نقل و انتقال سند مالکیت آنها به عهده خریدار و هزینه‌های خلاصی و عوارض شهرداری به عهده فروشنده می باشد. ۸- اسناد مزایده در قبال دریافت مبلغ ده هزار ریال بصورت نقدی تحویل خواهد شد. متقاضیان امضای اشخاص حقیقی یا حقوقی می توانند در روزهای سه شنبه لغایت یکشنبه (تاریخهای ۱۳۸۴/۵/۱۳ الی ۱۳۸۴/۵/۱۹) از ساعت ۹ تا ۱۶ بجای بازدید، درایستاد مزایده و ارائه پیشنهاد قیمت به آدرس کمربندی آزادگان (پلوار آزادگان) به طرف کرج نرسیده به جاده قدیم - دست راست پارکینگ نیرو مزایده فرمایند. بدیهی است شرکت در رد یا قبول یک یا کتبه پیشنهادات بدون احتیاج به ذکر دلیل مختار بوده و بعد از مهلت مقرر هیچ پیشنهادی پذیرفته نمی شود.